

Grammatical Functions of Quranic Verses in the History of Wassaf

Alireza Nabiloo*

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran

Jalal Abbasi

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran

Abstract


The history of Wassaf is one of the outstanding works of technical prose, which adaptation from verses and hadiths is one of its prominent features. The research seeks to analyze different aspects of using verses in this work at the word, sentence, and sentence-text levels. This research seeks to answer questions such as how the verses are used and to explain the verbal and spiritual aspects and their relation to the Persian text of the book. The results of the research showed that verses have such roles as the subject, object, and complement at the word level. Most verses are used as the genitive compound. Verses are in the form of compound, parenthesis, relative, independent, and dependent sentences at the sentence level. The text also has verses with spiritual implications such as verifying the previous meaning of the word, completing the meaning of the sentence, describing and explaining the previous meaning at the sentence level.


Keywords: History of Wassaf, Adaptation, Quranic Verses, Grammatical Elements.

* Corresponding Author: dr.ar_nabiloo@yahoo.com

How to Cite: The present paper is adapted from a Ph. D thesis on Persian Language and Literature, University of Qom.

کارکردهای دستوری آیات قرآن در تاریخ و صاف

علیرضا نبی‌لو *  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران

جلال عباسی  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

تاریخ و صاف یکی از آثار برجسته نثر مصنوع و متکلف است که اقتباس از آیات و احادیث، یکی از ویژگی‌های بارز آن محسوب می‌شود. مقاله حاضر در پی آن است که جنبه‌های مختلف کاربرد آیات را در این اثر در سطوح واژه، جمله و جمله-متن مورد تحلیل قرار دهد. این پژوهش در پی پاسخ دادن به پرسش‌هایی نظیر چگونگی کاربرد آیات و تبیین جنبه‌های لفظی و معنوی و ارتباط آن‌ها با متن فارسی کتاب است. نتایج پژوهش نشان داد که آیات از نظر لفظی در سطح واژگان دارای نقش‌های دستوری نهاد، مفعول، متمم و... هستند. همچنین بیشتر آیات به صورت ترکیب اضافی به کار رفته و در سطح جمله نیز آیات در قالب جمله‌های همپایه، معترضه، موصوله، پایه و پیرو به کار رفته‌اند. در سطح جمله-متن نیز آیات با اغراض معنوی از قبیل تأیید معنای قبل، تکمیل معنای جمله و توصیف و تشریح معنی قبل به کار رفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ و صاف، اقتباس، آیات قرآن، عناصر دستوری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تجزیه‌الامصار و ترجیه‌الاعصار که به تاریخ و صّاف معروف شده، یکی از آثار ارزنده نثر مصنوع و متکلف است که و صّاف الحضرة در سال ۶۹۹ هجری آن را به قصد تتمیم فواید تاریخ جهانگشای جوینی و تحریر ذیل بر آن، شروع به نوشتن کرد. او در به کار بردن آیات در متن تاریخ بسیار متبحر بوده و استشهاد و اقتباس از آیات یکی از مشخصه‌های بارز نثر تاریخ و صّاف شده است. در مورد فنی بودن یا مصنوع بودن نثر این کتاب، تشّت آرای وجود دارد که مربوط به چگونگی ویژگی‌های نثر کتاب است که مانند جهانگشای جوینی رویه یکسانی ندارد و هر چند در بعضی مواقع نهایت تکلف نویسی را به کار برده، اما در بسیاری از مواقع، نثری قابل فهم و به دور از تکلف دارد. در مقدمه کتاب به تصحیح حاجیان‌نژاد (وصّاف، ۱۳۸۸) به عدم یکنواختی نثر این کتاب اشاره شده و در کتاب سبک‌شناسی بهار نیز این تشّت نظر وجود دارد که گاه نثر آن را متکلف و مصنوع می‌داند و گاه آن را کامل‌ترین نمونه نثر فنی می‌خواند (بهار، ۱۳۹۳). البته با تمام این اوصاف غلبه با ویژگی‌های نثر متکلف است.

در این مقاله به بررسی جنبه‌های مختلف ارتباط لفظی و معنوی آیات به کار رفته در این اثر می‌پردازیم. آیات اقتباس شده در تاریخ و صّاف از لحاظ لفظی و معنوی با متن فارسی آن پیوستگی محکمی دارند و استحکام عبارات در عین مصنوع بودن نثر موجب آن شده که کتابش در قرن‌های متأخر همواره به عنوان نمونه اعلای نثر مصنوع در تعلیم ادب و انشای فارسی به کار رود.

این نوشتار در پی دستیابی به پاسخ این پرسش است که ارتباط دستوری آیات موجود در متن تاریخ و صّاف با دیگر بخش‌های این متن چگونه است؟ با توجه به اینکه پیوند دستوری حاضر، در تاریخ و صّاف برخاسته از تلفیق دو زبان عربی و فارسی بوده و تحلیل‌هایی از این نوع به درک دقیق‌تر ویژگی‌های سبکی یک اثر کمک می‌کند و میزان قدرت آفرینش و تلفیق نویسنده را نمایان می‌کند و از یک سو، درج این آیات در متن تاریخی مصنوع قطعاً متفاوت‌تر و دشوارتر از یک متن عرفانی یا تعلیمی مرسل است و از سوی دیگر با توجه به حجم مقاله و محدود بودن دامنه موضوع آن به بخش‌هایی از تاریخ و صّاف پرداخته شد که کاربرد دستوری آیه را در متن نشان دهد.

با توجه به اینکه درج و اقتباس آیات و کاربرد آن در تاریخ و صاف در جهت تلفیق چندوجهی زبان عربی، زبان فارسی، موضوع تاریخی و کاربرد شاعرانه و ادیبانه حاصل از آن، انجام شده و این نوع کاربرد، دستور و نحو زبان را تحت الشعاع قرار می‌دهد، بررسی سبک نثر و این هنر تلفیق و صاف از نظر نگارندگان مقاله حاضر ضروری و مهم به نظر رسیده است. همچنین متن تاریخی ظاهراً باید به زبان خود کار و معیار دوره خود نزدیک‌تر باشد و استفاده از آرایه‌ها، تلمیح، حل، درج و اقتباس بیشتر مربوط به زبان ادبی است و تلفیق این‌ها با هم، سبک آفرین شده و در تاریخ و صاف موجب تمایز نثر، ساختار دستوری و سبک آن شده است.

نظر به اینکه هدف اصلی از این پژوهش، واکاوی طرز به کار گرفتن آیات در متن با توجه به ویژگی‌های دستوری آن‌ها است، تکیه اصلی بر تحلیل نقش دستوری آیات است، اما هر جا پرداختن به معنای آیه به فهم بیشتر این ارتباط بین لفظ و معنا کمک کرده به معنا و تفسیر آیه نیز پرداخته شده است. به طور مثال، می‌توان به بخش اغراض آیات توجه کرد.

هدف دیگر از نگارش مقاله حاضر، آن است که سهم و نقش جنبه‌های مختلف ارتباط لفظی و معنوی آیات با متن فارسی و صاف بررسی شود و بهره‌گیری از آیات به عنوان هنر خاص نویسنده و ویژگی سبکی او تبیین شود. و صاف الحضرة برای نشان دادن تبحر خود در به کار بردن آیات قرآنی نهایت تلاش خود را کرده و الحق که در این راه بسیار موفق بوده است و موضوع اثرش هرچند تاریخی است و در آن به تاریخ عمومی و تاریخ ایران و تاریخ‌های محلی پرداخته، اما مهارت او در اقتباس از آیات قرآنی باعث شده که تاریخش رنگ و بوی الهی و معرفتی به خود بگیرد.

در توضیح دلیل توجه به نقش دستوری آیات در مقاله و ارتباط آن با تأثیر آیات قرآنی باید اشاره کرد که هدف، بررسی نوع کاربرد آیات در متن بود تا دریافت که آیا آیات به نحو احسن با متن فارسی ترکیب شده‌اند یا نه و با کشف این مورد، میزان مهارت نویسنده مشخص شود. همچنین معلوم شود که بیشتر کارکرد آیات به صورت ترکیب اضافی است. این نکته نشان می‌دهد که نویسنده نسبت به آیات قرآن آگاهی عمیقی دارد؛ به حدی که از ترکیب آیه با واژه‌ای مفرد، گروه اسمی می‌سازد تا مناسب استفاده در متن باشد و این شیوه هم به آیه، کاربردی جدید می‌دهد و هم متن را پرمغزتر می‌کند

تا خواننده همزمان با خواندن تاریخ از لذت کشف معنای جدید ترکیبات اضافی آیات نیز بهره مند شود.

در پایان این بخش باید گفت که کاربرد آیات و روایات جزء ویژگی‌های کلی نوشته‌های (مرسل، فنی و مصنوع) بعد از اسلام است. البته کاربرد آیات در اثری مانند تاریخ و صاف گاهی متفاوت‌تر از کاربرد آن در آثار مرسل است و با اغراض ادبی و شاعرانه بیشتری نسبت به نثر مرسل همراه شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در مورد تأثیر قرآن بر نثر و انواع اقتباس‌های قرآنی در آثار فارسی انجام شده است که در ادامه به برخی از موارد آن اشاره می‌شود.

خطیبی (۱۳۹۰) در بخشی از کتاب «فن نثر» تحت عنوان «اقتباس از آیات و احادیث» با روشی دقیق به بررسی روش‌های اقتباس آیات در آثار منثور فارسی تا قرن هفتم می‌پردازد. حلبی (۱۳۷۹) نویسنده کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» در فصل پنجم کتابش به بررسی تأثیر قرآن در نثر فارسی پرداخته و ۱۰ کتاب نثر فارسی را به صورت خیلی خلاصه بررسی کرده و به ذکر مثال‌هایی محدود از کتاب‌ها بسنده کرده است. پورنامداریان و رستاد (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات روزبهران بقلی» به تحلیل اقتباس آیات از دیدگاه خطیبی پرداخته‌اند و بیشتر حجم مقاله درباره کاربرد بلاغی آیات به خصوص ترکیب اضافه تشبیهی آیات است.

علیخانی ثانی ابدال آبادی و علیخانی ثانی ابدال آبادی (۱۳۹۵) در مقاله «شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در جهانگشای جوینی» به تحلیل کاربرد و ارتباط لفظی آیات در متن جهانگشا از دیدگاه خطیبی می‌پردازند و شیوه‌های اثرپذیری آیات از دیدگاه راستگو را بررسی می‌کنند.

مجوزی و علیخانی ثانی ابدال آبادی (۱۳۹۳) در مقاله «کاربرد آیات و احادیث در تاریخ بیهقی» با روشی مشابه آنچه در مقاله تاریخ جهانگشا به تحلیل و بررسی کاربرد و ارتباط لفظی آیات و شیوه‌های اثرپذیری آیات در تاریخ بیهقی پرداخته‌اند.

با توجه به اینکه پنج جلد کتاب تاریخ و صّاف هنوز به صورت کامل و دقیق بررسی نشده است و تعلیقات کامل و مناسبی ندارد در این پژوهش به تحلیل روش‌های اقتباس آیات در جلد چهارم کتاب می‌پردازیم که توسط حاجیان‌نژاد (۱۳۸۸) تصحیح شده است. در مورد تاریخ و صّاف کارهای پژوهشی در زمینه‌های دیگر انجام شده، اما در مورد جنبه‌های دستوری اقتباس آیات در آن، پژوهش مستقلی مشاهده نشده است.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است.

۳. پرسش‌های پژوهش

- و صّاف الحضرة به عنوان مورخ به چه میزان و با چه اغراضی از آیات قرآن بهره گرفته است؟
- جنبه‌های دستوری اقتباس آیات در سطح واژگان و جمله در تاریخ و صّاف چگونه است؟
- و صّاف الحضرة از میان نقش‌های دستوری آیات بیشتر به کدام نقش پرداخته است و چرا؟

۴. فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به ماهیت نثر مصنوع تاریخ و صّاف به نظر می‌رسد و صّاف الحضرة آیات قرآنی زیادی در اثر خود به کار برده است و برای نشان دادن مهارت خود در این نوع نثر از آیات به عنوان تکمیل‌کننده جمله بهره گرفته است.
- از آنجایی که و صّاف الحضرة بر متن قرآن کریم تسلط دارد و در نوشتن نثر مصنوع مهارت زیادی دارد در اقتباس از آیات قرآن نهایت سعی خود را به کار بسته است تا آیات را در نقش‌های گوناگون دستوری به کار گیرد.
- در هر جای متن کتاب که نثر مصنوع تر می‌شود، نویسنده سعی دارد تا آیات را در ترکیب‌های اضافی به کار گیرد و این خود نهایت هنرمندی یک نویسنده است که آیات قرآن را در ترکیب‌های اضافی به خصوص اضافه تشبیهی مورد استفاده قرار دهد.

۵. بحث و بررسی

تاریخ و صّاف یکی از مهم‌ترین منابع مربوط به عصر ایلخانان است و به همراه سه کتاب دیگر؛ یعنی جامع‌التواریخ رشیدی، جهانگشای جوینی و سیرت جلال‌الدین منکبرنی چهار رکن اصلی تاریخ عهد ایلخانان به‌شمار می‌رود. این کتاب علاوه بر ارزش تاریخی، دارای ارزش ادبی نیز است؛ و صّاف موضوع تاریخی را محمل و جولانگاهی برای عرضه هنرنمایی‌های ادبی خویش قرار داده است. در کنار ارزش ادبی تاریخ و صّاف باید توجه داشت که این کتاب از زمان تألیف تا امروز همواره به عنوان متنی هنجارشکن معروف بوده است؛ بهار در سبک‌شناسی معتقد است: «سبک و شیوه‌ای که در قرن ششم به واسطه مجذوب و محو شدن سلیقه پارسی‌گویان در نثرنویسان عرب پیدا شده بود در قرن هفتم به سر حد کمال بل به پایه تفریط و املاال انجامید و این عمل به دست و صّاف الحضرة صورت گرفت» (بهار، ۱۳۸۱).

سبک نگارش این اثر یکسان نیست و فراز و فرودهایی دارد؛ «روش نویسنده چون مقتدایش عظاملک جوینی در سراسر کتاب یکنواخت نیست و دارای غث و سمین است؛ گاهی بسیار متکلف می‌نویسد و گاه ساده و روان» (وصّاف، ۱۳۸۸).

اقتباس از آیات قرآن هم به عنوان یک آرایه ادبی و هم پشتوانه علمی و معنایی، مورد توجه شاعران و نویسندگان زیادی قرار گرفته است؛ «بهره‌گیری از قرآن در خلق اثر، افزون بر اینکه نشانه دانشمندی، علم‌اندوزی و روشن‌فکری بود، به دلیل قداست و حرمت معنوی قرآن و حدیث به اثر نویسنده نیز گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آن‌ها را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر می‌ساخت» (راستگو، ۱۳۷۶) و این زمینه‌ای بود تا نویسنده به قصد نشان دادن علم و فضل خویش، اثر خود را با قرآن و حدیث مزین بسازد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر مصنوع، اقتباس از احادیث و آیات قرآنی و امثال‌الحکم عربی است و با توجه به اختلاف دو زبان فارسی و عربی به کار بردن این موارد به عنوان بخشی از متن فارسی، نیازمند مهارت خاصی است که و صّاف الحضرة به خوبی از عهده این مهم برآمده است.

وصّاف الحضرة در جلد چهارم کتابش که اساس تحقیق حاضر است، در مجموع ۳۷۴ بار از آیات قرآنی بهره گرفته تا جایی که اقتباس فراوان آیات قرآنی، کتاب او را به اثری

اخلاقی و تعلیمی نزدیک کرده است. خود نویسنده در مورد استفاده از آیات قرآن در نثر کتابش چنین می‌گوید: «این رساله فتح، مشتمل بر کما هی آن احوال و کیفیت ماجری موشح به آیات بیّنات و مرصع به دُرر فصل الخطاب انشا کرده» (وصاف، ۱۳۸۸). در تاریخ و صاف، انتقال از نثر فارسی به آیات معمولاً هنگامی صورت می‌پذیرد که معنی مورد نظر نویسنده در قالب معنای آیه قرآن رساتر بیان می‌شود یا اینکه آیه را در تأیید مطلبی می‌آورد. بسیاری از آیات بر اساس مقتضای متن و بدون هیچ‌گونه فاصله‌ای که آن‌ها را از نثر فارسی مجزا نشان دهد به متن می‌پیوندد؛ بنابراین، گاه از نظر دستوری در جمله دارای نقش‌هایی از قبیل: مسند‌الیه، مفعول، مسند، متمم، قید و مضاف‌الیه می‌شود و گاه به عنوان جمله‌ای در ادامه متن قرار می‌گیرد که دارای اهداف خاصی است. کاربرد تمام این آیات در متن باعث شده تا نثر کتاب، مزین به شواهدی از قرآن شود و مهارت نویسنده در علوم قرآنی را بیش از پیش نشان دهد.

۶. آیات و نقش‌های دستوری آن‌ها (سطح واژگان)

آیات به کار رفته در تاریخ و صاف هم به لحاظ دستوری و هم به لحاظ معنایی وابسته به متن هستند و نمی‌توان آن‌ها را از متن جدا کرد. یکی از ویژگی‌های کاربرد این آیات، تنوع نقش‌های دستوری آن‌ها است. در ذیل به نقش‌های دستوری آیات اشاره می‌شود:

۱-۶. مسند‌الیه یا نهاد

یکی از نقش‌های اسم، نقش مسند‌الیه یا نهادی است؛ «اسم وقتی نهاد (مسند‌الیه) است که فعل یا صفت یا کلماتی دیگر به آن اسناد داده شود» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

«وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»^۱ باعث تنفیذ حکم یرلیغ قدر مثال دوران امثال شد تا سید را بگرفتند» (وصاف، ۱۳۸۸).

در این آیه، «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» در نقش نهاد جمله به کار رفته است.

«تو نام گوهر وجود از کجا بر خود می‌بندی؟ مگر «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»^۱ ترا غمزده‌ای نزده است؟» (همان)

۶-۲. مسند

مسند در جمله‌هایی قرار دارد که فعل آن جمله، اسنادی باشد؛ «مسند، صفت یا اسم یا ضمیری است که فعل اسنادی به آن نیاز دارد و آن به‌تنهایی یا همراه وابسته‌هایی به کمک یکی از فعل‌های اسنادی به نهاد نسبت داده می‌شود» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰)

«مصریان را بر فتح و نصرت رفیق بود و نجح و بهجت «عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ»^۲ (وصاف، ۱۳۸۸).

عبارت «عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ» در نقش مسند برای فعل «بود» - که به قرینه لفظی محذوف است - محسوب می‌شود.

۶-۳. مفعول

یکی از کاربردهای آیات در متن تاریخ و صاف، کاربرد آن‌ها در نقش مفعولی است؛ «به اسمی که کار روی آن صورت می‌گیرد، مفعول می‌گویند» (وفایی، ۱۳۹۱).

«کاشان بر کاشانه جنت «قُمْ فَاذْرِ»^۳ می‌خواند» (وصاف، ۱۳۸۸).

عبارت «قُمْ فَاذْرِ» در نقش مفعول برای فعل «می‌خواند» است.

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۴ بر صفحه صدق رغبت نگاشته» (همان)

در اینجا، آیه در نقش مفعولی نشسته است.

۱- سوره قصص، آیه ۸۸

۲- سوره ق، آیه ۱۷

۳- سوره مدثر، آیه ۲

۴- سوره ص، آیه ۴۹

۶-۴. متمم

در متن تاریخ و صّاف، آیات در نقش متمم‌های فعلی، اسمی و قیدی، همراه با حروف اضافه فارسی و عربی به کار رفته است.

«اهالی از حوالی خوشدلی در «ظلماتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»^۱ (وصّاف، ۱۳۸۸).

نویسنده، بخشی از آیه را به عنوان متمم فعل محذوف «قرار داشتند» به کار برده است. و صّاف در کاربرد متممی آیه، گاهی از حرف اضافه موجود در اصل آیه بهره می‌گیرد؛ به طور مثال، در عبارت زیر، حرف «ب» در آغاز آیه در نقش حرف اضافه است:

«یا قوت بریق مزین «بِأَكْوَابٍ وَّ أَبَارِيقٍ»^۲... ترتیب دادند» (همان).

۶-۵. مضاف‌الیه

یکی از پرکاربردترین حالت‌های استفاده از آیات قرآنی در متن تاریخ و صّاف، ذکر آن‌ها به صورت مضاف‌الیه است. تعریف اضافه، عبارت است از: «آمدن اسم یا کلمه جانشین آن به دنبال اسم مکسور دیگر» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

۶-۵-۱. اضافه توضیحی

اضافه توضیحی یکی از پرکاربردترین اقسام اضافه در تاریخ و صّاف است. «اضافه توضیحی، اضافه‌ای است که مضاف، اسم عام و مضاف‌الیه نام مضاف است و درباره مضاف توضیحی می‌دهد و نوع آن را مشخص می‌کند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰). فرشید ورد این نوع اضافه را «اضافه بدلی» هم می‌نامد (فرشیدورد، ۱۳۸۲). نمونه‌های زیادی از این نوع اضافه (بدلی) را می‌توان در متن تاریخ و صّاف دید.^۳

۱- سوره نور، آیه ۴۰

۲- سوره واقعه، آیه ۱۸

۳- برای مشاهده نمونه‌های دیگر اضافه توضیحی به صفحات: ۴۴، ۶۴، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۴، ۹۸، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۲، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۰۳ رجوع شود.

نبی‌لو و عباسی | ۱۲۳

«شخصی در ماه رمضان مطاوعت امر «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»^۱ نمی‌کرد» (وصّاف، ۱۳۸۸).

«چون آیت «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ»^۲ نشنوده بودند، اسماعیل به حضرت شتافت و کشتن او را اجازت خواست» (همان).

«از مساجد و مواضع و اماکن مرتفع، سُورَتِ سَوْرَتِ انْكِيزِ «إِذَا وَقَعَتِ» و «إِذَا زُلْزِلَتْ» ... به مسامع دور و نزدیک رسید» (همان).

۶-۵-۲. اضافه بیانی

اضافه بیانی پرکاربردترین نوع اضافه در تاریخ و صّاف است؛ «در اضافه بیانی، مضاف‌الیه جنس مضاف را بیان می‌کند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

در متن تاریخ و صّاف نوعی از کاربرد آیات وجود دارد که نویسنده با توجه به معنای کلی آیه، اسمی در همان معنا به آیه اضافه می‌کند؛ به طور مثال:

«گویی جریان این کلک بر صفحه این بیاض در تقریر این کلیت و تلفیق این حسب حال، صورت تفسیر تقدیر «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بود» (وصّاف، ۱۳۸۸).

در اینجا نویسنده با توجه به معنای کلی آیه که در مورد قضا و قدر است، لغت «تقدیر» را به آیه مضاف کرده و نوعی اضافه بیانی ایجاد کرده است که آیه به عنوان مضاف‌الیه جنس مضاف را شرح می‌دهد.^۳

«بنده در حضرت طور هیبت غازی... بی دستِ ردِّ «لَنْ تَرَانِي»^۴ تشریف «كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا» دریافت» (همان).

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۵

۲- سوره بقره، آیه ۱۹۱

۳- برای مشاهده نمونه‌های دیگر اضافه بیانی به صفحات: ۱۲۱، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹ و ۲۰۰ رجوع شود.

۴- سوره قصص، آیه ۲۹

در عبارت «دست رد لن ترانی» در واقع مفهوم «لن ترانی» همان دست رد خدا به سینه حضرت موسی (ع) است و نویسنده همان مفهوم را به آیه مضاف کرده است.

«رسیلان مرغان، رساله» «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»^۱ به راستی ابلاغ کردند» (همان).

این نوع اضافه، ساختاری شبیه به اضافه تشبیهی دارد با این تفاوت که در اضافه تشبیهی رابطه شباهت در میان است، اما در این نوع اضافه، شباهتی در میان نیست، بلکه مضاف‌الیه نوع مضاف را بیان می‌کند.

۶-۵-۳. اضافه تشبیهی^۲

اضافه تشبیهی علاوه بر نقش زبانی، دارای کارکرد بلاغی نیز است و متن را به حوزه خیال وارد می‌کند؛ «اضافه تشبیهی، اضافه‌ای است که در آن، میان مضاف و مضاف‌الیه رابطه شباهت و همانندی باشد و مضاف و مضاف‌الیه را به هم تشبیه کنند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

«بغفاق آل وَالشَّمْسِ وَ ضُحَيْهَا»^۳ و تَرَلِكُ مَرَوَارِدِ رِيْزٍ «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ»^۴ بر سر و در بر عروس گیتی انداخت» (وصاف، ۱۳۸۸).

بین عبارت «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» و «تَرَلِكُ مَرَوَارِدِ رِيْزٍ» رابطه شباهت وجود دارد.

«كَأَكْلِ تَيْرَةٍ وَاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ وَ مَا وَسَّقِ»^۵ (همان).

اختر «وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ»^۶ بر آسمان «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» نور گستر شد» (همان).

۱- سورة مائده، آیه ۹۹

۲- برای مشاهده نمونه‌های دیگر اضافه تشبیهی به صفحات: ۲، ۳، ۱۹، ۸۴، ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۹۵، ۳۰۲ و ۳۷۴ رجوع شود.

۳- سورة شمس، آیه ۱

۴- سورة مُلْك، آیه ۵

۵- سورة مائده، آیه ۱۸

۶- سورة طه، آیه ۱۳

و صَاف با نهایت هنرمندی تصویر خیال‌انگیزی را ترسیم می‌کند؛ از سمتی آیه «وَ أَنَا أَخْتَرْتُكَ» را به ستاره‌ای تشبیه می‌کند که در آسمان می‌درخشد و از سمتی بین دو واژه «اختر» به معنای ستاره و «اخترتک» به معنای برگزیدن با توجه به الحاقی بودن «تک» نوعی جناس تام برقرار کرده است.

۶-۵-۴. اضافه تخصیصی یا اختصاصی^۱

«اضافه تخصیصی که در آن مضاف مخصوص مضاف‌الیه است و فرق آن با اضافه ملکی آن است که مضاف‌الیه آن ازسان نیست و نمی‌تواند در مضاف تصرف کند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

«معنی «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۲ از کیفیت آن خبر می‌دهد» (وصاف، ۱۳۸۸).

در عبارت فوق معنی خاص آیه مدنظر بوده و اضافه اختصاصی است. در نمونه‌های زیر نیز به همین صورت مضاف، مخصوص مضاف‌الیه است.

«نقش «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ»^۳ بر ورق متخیله نگاشته» (همان).

«به نور فراست «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»^۴ در غره غرور هرقداق و رفقاء او آثار سوء اعتقاد می‌دیدم» (همان).

۱- نمونه‌های دیگر از اضافه تخصیصی رجوع شود به صفحات: ۲، ۱۶، ۴۱، ۷۱، ۸۴، ۱۴۴، ۱۵۶، ۱۷۴، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۸، ۳۱۱، ۳۴۶، ۳۷۰، ۴۵۶، ۴۶۶.

۲- سوره اعراف، آیه ۲۵

۳- سوره فصلت، آیه ۴

۴- سوره حجر، آیه ۷۵

۶-۵-۵. اضافه استعاری

اضافه استعاری جزو کم کاربردترین انواع اضافه در تاریخ و صاف است؛ «ترکیبی است از اضافه تخصیصی و اضافه تشبیهی که مشبه به آن حذف شده و یکی از لوازم یا متعلقات مشبه به جای آن را گرفته است» (ارژنگ، ۱۳۸۷)

«دست و لَئِن «جاهدُوا فینا» جز در گردن «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۱ حلقه نشود» (وصاف، ۱۳۸۸).

وصاف در قسمت اول آیه «وَلَئِن» را به ضرورت معنا اضافه کرده است که اگر از آن بتوان چشم پوشی کرد در واقع «جاهدُوا فینا» را به انسانی تشبیه کرده که دست دارد و در ادامه نیز «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» را به انسانی تشبیه کرده که از متعلقات انسان، گردن او را ذکر کرده است.

«رخسار روشن «وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ»^۲» (همان).

در عبارت بالا، «وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ» به انسانی تشبیه شده که چهره روشن دارد.

خطیبی به نوعی اضافه اشاره می کند که در کتاب های دستور و بیان برای آن عنوان مشخصی ذکر نشده است و در آن آیه به جای اسم به صورت ترکیب اضافی نقل می شود. «این نوع اضافه به صورت اقتباس و نقل تمام آیه برای بیان یک کلمه به طریق ترکیب اضافی است» (خطیبی، ۱۳۹۰).

«یرلیغ شد تا ایلچیان را دجال وار بر صاحب آواز «إِنَّ أَنْكَرُ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»^۳ سوار گردانیدند» (وصاف، ۱۳۸۸).

در عبارت فوق تمام آیه «إِنَّ أَنْكَرُ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» به جای کلمه «الحمير» «الاغ» آمده است.

۱- سورة عنكبوت، آیه ۶۹

۲- سورة انشقاق، آیه ۱۸

۳- سورة لقمان، آیه ۱۹

«به خواست «فَعَالٌ لَمَا يُرِيدُ»^۱ که لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ از صفات مقدس او بیانی مُقْنِع است» (همان).

در این جمله، آیه «فَعَالٌ لَمَا يُرِيدُ» به عنوان صفت جانشین اسم «خداوند» آمده است.

۶-۶. صفت

گاهی آیه در متن تاریخ و صَاف در نقش صفت به کار گرفته می‌شود.

«اخْتَرِ «وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ» بر آسمان «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا»^۲ نور گستر شد» (همان).

در این عبارت، «وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا» در قالب نقش صفت برای آسمان به کار گرفته شده است؛ آسمانِ والا مکان.

«به دست غرض «سَفَهَا بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۳ سرپوش از طَبَقِ «هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ»^۴ برداشتند» (همان).
در این عبارت نیز هر دو آیه به کار رفته در نقش صفت هستند؛ آیه «سَفَهَا بِغَيْرِ عِلْمٍ» به معنای «نادانی» و آیه «هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ» به معنای «دروغین» است.

۶-۷. قید

کاربرد دیگر آیات در متن به صورت قید است؛ «گروه قیدی بخشی از سخن است که فعل به آن نیازمند نیست و از جمله، قابل حذف است» (وحیدیان و عمرانی، ۱۳۸۵).

۶-۷-۱. قید زمان

«يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»^۵ به واسطه قصد مالی و جاهی هیچ مسلمان یا استیصال هیچ خاندان، غبار دهشتی بر اذیال احوال ایشان ننشسته» (همان).

۱- سوره هود، آیه ۱۰۷

۲- سوره مریم، آیه ۵۷

۳- سوره انعام، آیه ۱۴۰

۴- سوره احقاف، آیه ۱۱

۵- سوره انفطار، آیه ۱۹

«ای پسر آلب ارسلان، داد من در سر این پول بده و آلا «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ»^۱ که بی اعوان و انصار به عرصه محشر حاضر آیی در سر پول صراط دست از دامنت ندارم» (همان).

۶-۷-۲. قید حالت

«در حلقه یارغو «مذموماً مخدولاً» می نشستند و باز «ملوماً مدحوراً» برمی خاست» (همان).

در این عبارت، نویسنده بخشی از آیه ۲۲ سوره اسراء و بخشی از آیه ۳۹ سوره اعراف را در نقش قید حالت به کار برده است.

«قفچاق که صاحب میسره بود، «فَنظَرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ»^۲ با دو غلام خلاص یافتند» (وصاف، ۱۳۸۸).

۶-۸. تنازع

گاه در متن به آیاتی برمی خوریم که دارای دو نقش دستوری هستند و بین نقش‌ها تنازع وجود دارد؛ «هرگاه دو فعل بر سر نقش سپردن به یک کلمه به نزاع پردازند به آن کلمه متنازع فیه یا مشترک گویند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

«إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ»^۳ را که از لوح کریم کلام قدیم به صفحه کتاب تنزیل العزیز الرحیم نقل کردند، بر سرّی عظیم منطوی است» (وصاف، ۱۳۸۸).

در این عبارت، آیه «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ» برای فعل «نقل کردند» نقش مفعول دارد و برای فعل ربطی «است» نقش مسندالیه دارد.

۱- سوره طارق، آیه ۹

۲- سوره بقره، آیه ۲۸۰

۳- سوره محمد، آیه ۳۶

۶-۹. بدل

یکی از کم‌کاربردترین نقش‌های آیات در متن تاریخ و صَاف، نقش بدلی آن‌ها است؛ «گاهی گروه اسمی برای توضیح اسم ماقبل خود به کار می‌رود و حذف آن نیز خللی در جمله ایجاد نمی‌کند. نقش دستوری آن بدل خوانده می‌شود» (وفایی، ۱۳۹۱).

«نظام الدین حسویه، پسر غیاث‌الدین محمد بن مظفر الدین در وقعه کازرون، «یوم التَّقَى الْجَمْعَانِ»^۱ بر دست سلجوقشاه کشته شد» (وصَاف، ۱۳۸۸).

در این عبارت، آیه «یوم التَّقَى الْجَمْعَانِ» نقش بدل از «وقعه کازرون» را دارد و در عبارت زیر نیز آیه در نقش بدل «عطا» است.

«خلعت خاص با عطایای نامحدود «عطاءً غیرَ مَجْدُودٍ»^۲ متواصل داشته» (همان).

۷. آیات و رابطه آن‌ها با نظام جمله‌بندی و نحوی (سطح جمله)

۷-۱. آیاتی که با متن فارسی پیوند دستوری ندارند

آیاتی که با متن فارسی پیوند دستوری ندارند، بسامد بالایی نیز در متن تاریخ و صَاف ندارند و به گونه‌ای به کار رفته‌اند که با حذف آن‌ها از پایان جمله، معنای کلام و مقصود نویسنده دچار اشکال و خطا نمی‌شود؛ «تنها در این مورد است که اگر آیه یا حدیث را از رشته عبارت جدا کنیم، پیوند معانی نخواهد گسیخت» (خطیبی، ۱۳۹۰).

«از لشکر خانی بیرون از کشتگان حومه هیجا و روز بر گشتگان عرصه فنا، یک تومان مرد و دو تومان اخته در قبضه مصریان آمد و علی المزید و قال الله تعالی «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ»^۳» (وصَاف، ۱۳۸۸).

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۶۶

۲- سورة هود، آیه ۱۰۸

۳- سورة ابراهیم، آیه ۱۹

«محمود شاه را طاقت طاق شد... نه یارای تشفع به ذریعتِ ضراعت و نه قدرت توصل به اسباب ممانعت... حزین از چرخ حرون و متحیر از اختر وارون قالَ اللهُ سُبْحَانَهُ تَعَالَى «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئاً وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ يُنْصَرُونَ»^۱ (همان).

۲-۷. آیاتی که با متن ارتباط دستوری دارند

در این نوع کاربرد، آیه به عنوان بخشی از متن با جملات قبل و بعد از خود، نوعی ارتباط دستوری دارد که در ادامه به انواع کاربرد آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۲-۷. کاربرد آیه به صورت جمله همپایه

این شیوه از کاربرد آیات را در متن کتاب تاریخ و صاف زیاد می‌بینیم که نشان از تسلط کامل و صاف الحضرة به لفظ و معنای قرآن دارد. «پیوستن آیات و اخبار به رشته نثر، بی‌هیچ گونه فاصله و استعمال کلمه‌ای که عبارت عربی را از نثر فارسی متمایز و مجزا نشان دهد؛ چنان که گویی ترکیب عربی دنباله عبارت فارسی است و این در انواع مختلف اقتباس، دشوارترین و دقیق‌ترین اقسام آن است» (خطیبی، ۱۳۹۰).

«لشکر را... نوع تفرقی راه یافته بود، بواقی متضعع شدند و «قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسُرُونَ فَرِيقًا»^۲ (وصاف، ۱۳۸۸).

«مجاشع بن مسعود السُّلَمِي را از عقب یزدجرد روان کرد «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۳ (همان).

۲-۲-۷. پیوستن آیه و حدیث به نثر با که موصوله

این شیوه کاربرد آیات در کتاب تاریخ و صاف به وفور دیده می‌شود و آیاتی که بعد از که موصوله در متن قرار می‌گیرند به توضیح عبارت قبل از خود می‌پردازند که این توضیح در قالب جمله وصفی، ربطی، بدلی، تعلیلی و... بیان می‌شود.

۱- سورة بقره، آیه ۱۲۳

۲- سورة احزاب، آیه ۲۶

۳- سورة بقره، آیه ۲۵۱

«انگیختن چندان تمثال‌ها همین نتیجه داد که «دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» (همان).

در این مثال «دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا» در قالب جمله تعلیلی آمده است؛ چراکه این جمله مربوط به شرح سرانجام شوم محمود شاه و امرای تراکمه است. و صَاف علت این سرنوشت شوم را وعده خدا می‌داند که در آیه ۱۰ سوره محمد آمده بدین شرح که «خداوند آن‌ها را فروکوفت و برای کافران همین سرنوشت خواهد بود».

«دزی حصین از خشت پخته که «فَأَوْقَدَ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ» حاکی آن است» (وصاف، ۱۳۸۸).

وصاف در استفاده از آیه، نهایت دقت را داشته؛ زیرا این عبارت بخشی از آیه ۳۸ سوره قصص است که در آن فرعون می‌گوید: «ای هامان آتش بیفروز بر گِل و برای من برجی بلند بساز شاید از بالای آن به خدای موسی پی ببرم». در واقع بین دز حصین دشمن (فرعون) و خشت پخته تناسبی برقرار کرده است.

۷-۲-۳. جمله معترضه

یکی از شیوه‌های به کارگیری آیات، آوردن آن‌ها به صورت جمله معترضه در میان متن است و آن «جمله‌ای است که در ضمن جمله اصلی می‌آید و مفهومی چون دعا و نفرین را می‌رساند و یا نکته‌ای را توضیح می‌دهد» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

در متن تاریخ و صَاف به ندرت می‌توان آیه‌ای را یافت که به صورت جمله معترضه به کار رفته باشد و اگر هم به کار رفته باشد، بیشتر توضیح اسم ماقبل خود است؛ به طور مثال در عبارت زیر:

«سنت الهی- «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»- مقتضی آن است که احوال این جهانی پیوسته در معرض انقلاب باشد» (وصاف، ۱۳۸۸).

در اینجا، عبارت «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» که بخشی از آیه ۴۳ سوره فاطر است در نقش جمله معترضه است و توضیحی در مورد سنت الهی به مخاطب ارائه می‌دهد.

«مخدومان در حِذای فضلِ خدای «تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا»^۱ و عاطفتِ پادشاهِ وقت ... سجده عبودیت تازه کردند» (وصّاف، ۱۳۸۸).

در این عبارت «تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا» به معنای شکوه پروردگار ما، بلندمرتبه است و در نقش جمله معترضه برای اسم خدا به کار رفته است.

وصّاف در کاربرد معترضه آیات، گاه آن‌ها را بعد از ادات تشبیه می‌آورد و توضیحی به جمله می‌افزاید؛ برای مثال در جمله زیر نویسنده فلاخن مناجیق را به سرهای شیاطین تشبیه کرده و توضیح اضافه‌ای در متن گنجانده است.

«مستجلسان مجلس کامکار، به فلاخن مناجیق «كَأَنَّهُ رُئُوسُ الشَّيَاطِينِ»^۲ اهل کرمان را عیش سنگ انداز در صورت انداز تعلیم کردند» (همان).

۷-۲-۴. جمله پایه و پیرو

وصّاف، آیات قرآن را گاهی در قالب جمله مرکب به صورت پایه و پیرو می‌آورد تا پیوند لفظی و معنوی کلام محکم‌تر شود؛ «منظور از جمله پایه، آن قسمت از جمله مرکب است که غالباً غرض اصلی گوینده یا نویسنده را دربر دارد و قابل تأویل به غیر جمله نیست و منظور از جمله پیرو، آن قسمت از جمله مرکب است که همراه جمله پایه می‌آید و وابسته به جمله پایه است» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۰).

«اگر از حکم یرلیغ به اعتضادِ «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ» متأید گردم و به تقویت امرای قوی دل شوم «وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۳» (وصّاف، ۱۳۸۸).

در این عبارت، بخش اول جمله، شرطی است و در حکم جمله پیرو است و آیه «وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» در قالب جواب شرط و در حکم جمله پایه است.

۱- سوره جن، آیه ۳

۲- سوره صافات، آیه ۶۵

۳- سوره توبه، آیه ۱۱۱

«پادشاه مغفور، غازان خان، فَلَمَّا «قَضَى نَحْبَهُ» و ازین آستان خاکی به ایوان پاکی رسید، چند تومان زر در خزینه مُعَدَّ بود» (همان).

در این جمله «قَضَى نَحْبَهُ» که بخشی از آیه ۲۳ سوره احزاب است در نقش جمله پیرو است و وصاف به ضرورت جمله پیرو که عربی است از حرف شرط عربی «فَلَمَّا» استفاده کرده و جمله «چند تومان زر در خزینه مُعَدَّ بود» جمله پایه است.

۸. آیات و اغراض معنوی کاربرد آن‌ها (سطح جمله- متن)

در علم معانی معمولاً به معانی ثانویه انواع جملات توجه می‌شود که هدف نویسنده از نوشتن جمله‌ای چه بوده است. در بررسی جنبه‌های معنوی اقتباس از آیات با گونه‌های تازه‌ای از معانی مواجه می‌شویم که در آن‌ها هدف نویسنده تنها رساندن خبر و دادن آگاهی و نقل قول نیست، بلکه گاه به قصد صداقت و تأیید سخن خود از آیات بهره می‌گیرد؛ چراکه «وقتی استشهاد موردنظر است، چه بسا نویسنده و شاعر از یک آیه یا حدیث خاص، برداشت‌هایی متفاوت می‌کند و برای ادعای خود آیه یا حدیثی را که با صراحت یا تأویل با آن در ارتباط است، گواه می‌گیرد» (راشد محصل، ۱۳۸۰) و در ادامه به نمونه‌هایی از اغراض ارتباط معنوی آیات با متن فارسی پرداخته می‌شود.

۸-۱. تکمیل و متمیم نثر فارسی

این نوع کاربرد از آیات به گونه‌ای است که با تناسب ترکیب و به رشته نثر می‌پیوندند و بی هیچ گونه جدایی و تمایز لفظی، دنباله نثر فارسی را پی می‌گیرند و این پیوند تا حدی نزدیک است که گویی عبارت فارسی ترجمه بخشی از آیه است و قابل حذف نیست. «در این نوع که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید، آیات و احادیث نه تنها از جهت لفظ، بلکه از نظر معنی نیز با اتساق و اتصال کامل به دنبال عبارات فارسی آورده می‌شوند» (خطیبی، ۱۳۹۰). همه آیاتی که این گونه کاربرد دارند معمولاً با حروف ربط فارسی و گاه عربی به متن فارسی پیوند می‌خورند:

«این طایفه نیز دبیر و اهل خبرت و تقریرند... و در امور رنگ آمیزی «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۱ (وصاف، ۱۳۸۸)

این مثال، مربوط به توصیف دبیرانی است که وصاف از آن‌ها به بدی یاد می‌کند و در وصف ظاهر سازی بودن رفتار آن‌ها، آیه ۷ سوره روم را می‌آورد که آنان تنها بر ظاهری از زندگی دنیا شناخت دارند و از آخرت (باطن دنیا) غافلند. در واقع وصاف برای بیان مقصودش نیمی از جمله را به فارسی بیان می‌کند و ادامه جمله را با آیه‌ای تکمیل می‌کند تا مفهوم را رسانده باشد.

«مجاجع بن مسعود السلمی را از عقب یزدجرد روان کرد «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» (همان: ۶۲)

در این عبارت نیز، نویسنده با آوردن بخشی از آیه ۲۵۱ سوره بقره متناسب با بستر معنا به تکمیل جمله می‌پردازد. عبارت زیر نمونه‌ای دیگر از تکمیل و متمیم است:

«وزیران پادشاه به رخصت «و شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ» تومانها به خاصه تصرف کرده‌اند و حساب ممالک به راستی نانموده «وَلَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا»^۲ (وصاف، ۱۳۸۸).

در همه مثال‌های یادشده، آیه بخشی از بافت طبیعی سخن محسوب می‌شود به طوری که اگر از کلام حذف شود، جملات فارسی دچار سستی نقصان در معنی خواهند شد.

۸-۲. تأکید و تأیید نثر فارسی

در این نوع از مقاصد کاربرد آیات، هدف تأکید و تأیید سخن است؛ بنابراین آنچه در قالب آیه در ادامه جمله فارسی می‌آید در واقع تکرار معنای ماقبل است که نویسنده آن را با تکرار مؤکد می‌کند. و صاف الحضره ابتدا مقصودی را که می‌خواهد به فارسی بیان می‌کند و بعد آیه‌ای در همان معنا برای تأیید و تأکید بر صداقت سخن خود می‌آورد.

۱- سوره روم، آیه ۷

۲- سوره کهف، آیه ۱۰۸

«اگر به طراوت چمن جوانی، بطری در خاطر می‌آوری آهسته‌تر جولان کن؛ «ولا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا» (وصاف، ۱۳۸۸).

وصاف در شرح پایان ناخوش قطب‌الدین و معین‌الدین که در دربار سمت داشتند، خطاب به نفس، نصایحی را به زبان می‌راند و آن را از غرور و تکبر باز می‌دارد و برای تأیید سخنش، بخش آغازین آیه ۳۷ سوره اسراء که معنی «در زمین با سرمستی غرور گام برمدار» را در ادامه جمله می‌آورد.

«این طایفه در کوی نفاق خانه گرفته‌اند و ... دانه نادانی بر دام نهاده و اظهار شفقت بر مال پادشاه، ملووح کار و مفتاح بازار ساخته؛ «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»^۱» (وصاف، ۱۳۸۸).

نویسنده شرحی درباره نفاق و دورویی صاحب‌منصبان دربار بیان می‌کند و در ادامه کلام برای تنظیر و تأیید با آوردن آیه ۱۱۸ سوره آل‌عمران که مضمون آن دورویی و نفاق است، سخن خود را تکمیل می‌کند.

«آثار لطف و عنف ربانی بر عالم لمعان یافته؛ «إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ»^۳» (همان).

۸-۳. توصیف و تشریح معنی قبل

یکی از مقاصد اقتباس آیات، توصیف و تشریح معنی قبل است و آیه در این مواقع موجب ایضاح معنی می‌شود؛ گاهی هدف فقط توضیح و تشریح کلمه‌ای از عبارت قبل است، گاه تشریح عبارتی و گاهی توصیف شخصیتی است.

۱- سوره آل‌عمران، آیه ۱۱۸

۲- در متن کتاب به جای عِقَاب، عذاب آمده است /

۳- سوره فصلت، آیه ۴۳

«و افراد علماءِ علام که... علامه دور و سَباقِ حلبه فضل اند... و طلباءِ مُجدد و مُحصَلانِ مستعد «رجالٌ لا تُلهيهم تجارةٌ ولا بيعٌ عن ذكرِ الله»^۱ (همان).

در این عبارت، وصاف به توصیف علمای اعلام می پردازد و در انتها با آوردن آیه ویژگی های این افراد را تشریح می کند.

«اختلال کلی احوال این دیار به حدی است که صاحب معجزه «إِنِّي أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ و الْأَبْرَصَ» از معالجت تدارك آن عاجز آید» (همان).

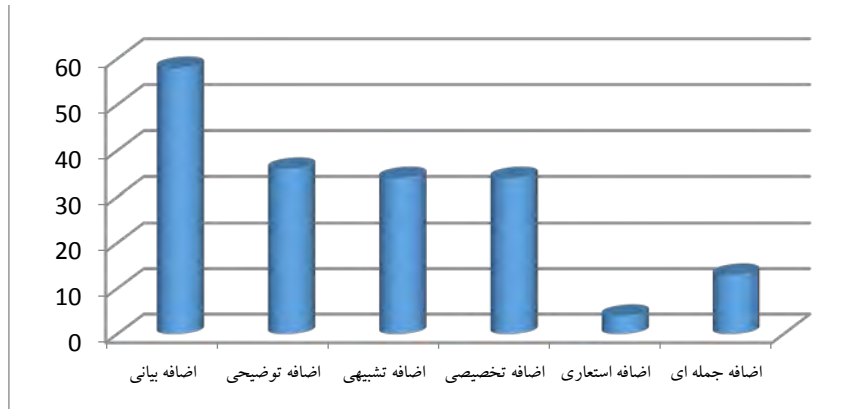
در این عبارت، بخشی از آیه ۴۹ سوره آل عمران که به صورت مضاف الیه در اثنای متن به کار گرفته شده برای ایضاح معنی معجزه آمده است تا خواننده متوجه شود که منظور نویسنده از صاحب معجزه، همان حضرت مسیح (ع) است.

استفاده بیش از ۵۰ درصدی آیات جهت تکمیل متن می تواند گویای این باشد که نویسنده چقدر بین متن فارسی و آیات که عربی هستند، ارتباط نزدیک و محکمی برقرار کرده که آیه به عنوان بخشی از جمله، وظیفه انتقال معنا دارد و بدون آن، معنای کلام دچار نقصان می شود. استفاده ۲۸ در صدی آیات جهت تشریح و توصیف معنای قبل، گویای دو نکته است: اول اینکه نویسنده گاهی سعی دارد معنای نامفهوم متن را با آیه ای واضح کند تا مخاطب کاملاً معنا را درک کند و نبود این آیه، دچار سستی در انتقال معنا می شود. دوم اینکه به ضرورت نثر فنی، نویسنده سعی در اطناب گویی دارد و برای مفهومی که لازم نیست درباره آن توضیحی داده شود با آوردن آیه ای به نشان توضیح، اما به قصد آرایش لفظ به هنرنمایی می پردازد.

جدول ۱. بسامد جنبه های ارتباط معنایی آیات با متن

جنبه های ارتباط معنوی آیات با متن فارسی			
معانی	توصیف و تشریح معنای قبل	تأکید و تأیید مفهوم	تتمیم و تکمیل متن
تعداد	۲۸	۲۰	۵۰
درصد	۲۸/۵	۲۰/۵	۵۱

نمودار ۱. بسامد استفاده از انواع اضافه‌ها در ترکیب آیات با متن



از مجموع ۳۷۴ بار کاربرد آیات در جلد چهارم از متن تاریخ و صاف، ۱۷۴ کاربرد آن به صورت مضاف‌الیهی است که در جمله دارای نقش‌های نهادی، متممی، مسندی و... هستند و این نشان می‌دهد که نویسنده دنبال ترکیب سازی‌های بکر از آیات قرآنی است تا با این کار ارزش فنی و اخلاقی به نثر کتاب ببخشد و علاوه بر آرایش لفظی به پیوند معنایی آن هم توجه دارد. از میان اضافه‌ها بیشتر به ترکیب اضافه بیانی پرداخته شده و این نشان از روحیه و شیوه اطناب‌پردازی نویسنده در اثر خود دارد تا برای هر واژه‌ای، آیه‌ای با همان مفهوم بدان اضافه کند و شرح و تفسیری برای آن واژه به کار رفته، داده باشد.

نکته حائز اهمیت، استفاده ۳۴ موردی از اضافه تشبیهی است که در متن تاریخی جای شگفتی دارد؛ این نشان می‌دهد که نویسنده تا چه اندازه سعی دارد تا نثر کتاب را به قلمرو ادب و هنر نزدیک کند و برای این منظور به سخت‌ترین شیوه‌های کاربرد آیات که همان اضافه تشبیهی است، روی می‌آورد و در این ترکیب سازی موفق عمل می‌کند چنان که در بخش مربوط به آن، نمونه‌هایی آورده شد. همچنین استفاده هر چند کم اضافه استعاری در متن تاریخ تلخ‌غازانی نشان از مهارت نویسنده دارد تا با خیال‌انگیز کردن متن، مخاطب را از دنیای مادی به عالم فراسوی خیال معنوی ببرد تا التیامی بر سوز جراحاتِ جور ظالمان بر مردم ستم دیده ایرانِ آن زمان باشد.

بحث و نتیجه گیری

بهره گیری از آیات قرآن در نثر فارسی یکی از مهم ترین ویژگی های نثر فنی و مصنوع محسوب می شود. در این نوشتار کیفیت کاربرد آیات در جلد چهارم تاریخ و صاف مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی تو صیفی - تحلیلی بیانگر این است که و صاف در استعمال آیات قرآنی نهایت مهارت را به خرج داده و با توجه به اقتضای کلام و با رعایت حسن ترکیب جملات، آیات قرآن را چنان با رشته کلام در آمیخته است که در متن فارسی، بیگانه و نامتجانس به نظر نمی رسند. وی در عین دقت به آرایش لفظی، پیوستگی معنا را نیز به خوبی رعایت می کند. از نظر لفظی، آیات قرآن در این اثر به عنوان بخشی از نثر فارسی در سطح واژگان دارای نقش های مختلف دستوری از قبیل نقش های نهادی، مفعولی، مسندی، قیدی، اضافی و... هستند. در سطح ارتباط جمله نیز آیات به دو دسته تقسیم می شوند که در دسته اول، آیات هیچ پیوند دستوری با متن ندارند و در دسته دوم، آیات به صورت جمله های معترضه، صله، همپایه، پایه و پیرو در متن به کار رفته اند. از نظر سطح جمله - متن نیز آیات با اغراض معنوی از قبیل: تکمیل و تأیید و توصیف جمله ماقبلشان به کار رفته اند. این آیات با متن فارسی کتاب پیوستگی محکمی دارند. میزان بهره گیری و صاف از آیات قرآنی، حاکی از تسلط او بر قرآن و زبان عربی است. وی با استفاده از این مهارت توانسته است از یک طرف به ثبت وقایع تاریخی پردازد و از طرف دیگر با توجه به معانی ثانویه کاربرد آیات به کتابش ارزشی اخلاقی و اجتماعی ببخشد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Alireza Nabiloo

Jalal Abbasi



<https://orcid.org/0000-0002-1562-9747>



<https://orcid.org/0000-0003-3151-6336>

منابع

قرآن کریم

ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی امروز. ج ۶. تهران: قطره.

- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی*. ج ۲. تهران: فاطمی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۹۳). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی*. تهران: زوآر.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۹). *تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی*. تهران: اساطیر.
- خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). *فن نثر در ادب پارسی*. ج ۴. تهران: زوآر.
- راستگو، سیدمحمد. (۱۳۷۶). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*. تهران: سمت.
- راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۰). *پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۷. تهران: فردوس.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). *دستور مفصل امروز*. تهران: سخن.
- وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی*. ۱. تهران: سمت.
- وصّاف، عبدالله بن عزالدین. (۱۳۸۸). *تاریخ وصّاف*. تصحیح علیرضا حاجیان‌نژاد. ج ۴. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۱). *دستور زبان فارسی*. ج ۳. تهران: سمت.
- پورنامداریان، تقی و رستاد، الهام. (۱۳۹۲). *بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات روزبهان بقلی*. *متن پژوهی ادبی*، ۵۸ (۱۷)، ۲۸-۷.
- سالمیان، غلامرضا؛ صیدی، کریم و امیری کله‌جویی، هاجر. (۱۳۹۱). *کاربرد عبارت‌های عربی در مرزبان‌نامه*. *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۸ (۲)، ۴۹-۲۷.
- علیخانی ثانی ابدالآبادی، فاطمه و علیخانی ثانی ابدالآبادی، محمد میر. (۱۳۹۵). *شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در تاریخ جهانگشای جوینی*. *متن پژوهی ادبی*، ۶۹ (۲۰)، ۱۸۳-۱۵۰.
- مجوزی، محمد و علیخانی ثانی ابدالآبادی، فاطمه. (۱۳۹۳). *کاربرد آیات و احادیث در تاریخ بیهقی*. *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۲ (جدید)، ۱۰۲-۸۵.

References

The Holy Quran.

- Alikhani Thani Abdalabadi, F. and Alikhani Thani Abdalabadi, M. M. (2015). *Methods of Using Verses and Hadiths in the History of Jahangosha Jovini. Literary Textual Research*. 69 (20). 150-183. [In Persian].
- Anwari, H and Ahmadi Givi, H. (2011). *Persian Grammar*. Volu II. Tehran: Fatemi Publication. [In Persian].
- Arjang, Gh. (2008). *Modern Persian Grammar*. 6 Edition. Tehran: Ghatreh Publication. [In Persian].
- Bahar, M. (2013). *Stylistics or the History of the Evolution of Persian Prose*. Tehran: Zovar Publication. [In Persian].

- Farshidvard, Kh. (2003). *Modern Detailed Grammar*. Tehran: Sokhan Publication. [In Persian].
- Halabi, A. (2000). *The Impact of Quran and Hadith on Persian Literature*, Tehran: Myths Publication. [In Persian].
- Khatibi, H. (2011). *The Art of Prose in Persian Literature*. 4 Edition. Tehran: Zovar Publication. [In Persian].
- Mojavvezi, M. and Alikhani Thani Abdalabadi, F. (2014). Application of Verses and Hadiths in the History of Bayhaqi. *Textology of Persian literature*. 2(NC). 85-102. [In Persian].
- Pournamdarian, T, and Rastad, E. (2013). Study and Analysis of the Use of Verses and Hadiths in the Description of Roozbehan Baqli's Sharhe Shathiyyat. *Literary Textual Research*. 50(17). 7-28. [In Persian].
- Rashed Mohassel, M (2001). *Iights of Quran and Hadith in Persian Literature*. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. [In Persian].
- Rastgou, M. (2006). *Manifestation of Quran and Hadith in Persian Poetry*. Tehran: Samt Publication. [In Persian].
- Safa, Z. (1990). *History of Literature in Iran*. 7 Edition. Tehran: Ferdows Publication. [In Persian].
- Vahidiyan Kamyar, T and Omrani, Gh. (2008). *Persian Grammar 1*. Tehran: Samt Publication. [In Persian].
- Vassaf, A. (2009). *Tarikh Wassaf*. Edited by Alireza Hajiyannejad. Volu 4. Tehran: Tehran University Publishing Institute. [In Persian].
- Wafayi, A. (2012). *Persian Grammar*. 3 Edition. Tehran: Samt Publication. [In Persian]